

اعلامیه جبهه ملی ایران  
بمناسبت انقلاب مشروطیت

هموطنان عزیز :

درست پنجاه و شش سال تمام از عمر مشروطیت ایران میگذرد . رجال آزاد های مانند سید بن سیدین آقای سید محمد طباطبائی و آقای سید عبد الله بهبهانی و شهیدان شادروانی مانند میرزا جبهانگیر خان صور اصرافیل و آقای سید جمال واعظ و ملک المتکلمین و شیر مردان با کبازی چون ستار خان و باقر خان که هر چند از او فای آزاد و مشروطیت بودند و در راه آزاد کردن ملت دستکش ایران از زیر یوغ استبداد بیدریغ جان در رکف کوشیدند همگی از عرصه نبسردند و بیرون رفته ولی نام پرافتخارشان زین صفحات تاریخ زنده و جاوید است .  
فرزندان رشید ایران :

چشم امید بدان مجاهد و جانباز شما که در انقلاب مقدس مشروطیت نهال آزاد را با خون خود آبیاری کرده اند نگران شما است . اگر آنها زنده بودند بشما می گفتند نیم قرن پیش ما با وجود تمام مشکلات و با آنکه هنوز مشروطیت عالمگیر نشده و طغیان رسوائی استبداد از پام نیفتاده بود برای برچیدن بساط استبداد و مظلوم حکومت فردی و خود سری قیام کردیم و با نثار کردن سروجان از پای ننشستیم تا آزاد و مشروطیت را گرفتیم و با خون شهیدان دلیسر قانون اساسی را نوشتیم و شما سپردیم اکنون شما بگوئید که برای تنهد ای و منمر رساندن آن چه کرده اید ؟ .

ملتهائیکه تا همین چند سال پیش اسیر زنجیر استعمار و استبداد بودند قیام کردند و با استقامت و بیاداری در اندک زمانی آزاد و استقلال را بدست آوردند و در راه ترقی و سعادت کامهای بلند برداشته و بر سر نوشت خود و کشورشان تسلط یافته اند ولی پس از پنجاه و شش سال مشروطیت اسعی ماهنوز اندر خم یک کوچه ایم آنهم کوجه ظلمانی و بریج و خم استبداد .  
پس حکومت مردم بر مردم و مشروطه در ایران تحقق نیافته است ؟

این مطلبی است که هر ایرانی آزاد و متفکر باید همواره بداند . بسیار جاست که جبهه ملی ایران در این هنگام که مشروطیت و آزادی بسکی منسوخ شده و از این هردو مانند سیمرغ و کیمیا جز نامی باقی نمانده است باختصار علل و اسباب و چگونگی ناکامی مردم ایران را در مشروطیت و آزادی برای تسلی جوان توضیح دهد که بجهت و چگونه مشروطیت ایران بوضع رقت بار و اسف آور کنونی منتهی گردیده است ؟ چرا ما تحت عنوان ظاهری حکومت مشروطیتی از مخوفترین و وسیع ترین و مزورترین حکومت های پلیسی و دیکتاتوری اداریم ؟ چرا قانون اساسی ما از طرف عمال استبداد مورد تخطی قرار گرفته و بدین پایه اعمال شده است ؟ چرا سازمان ملل که ماهم عضو آن هستیم و کشور عمای بزرگ و کوچک که با ما رابطه دوستانه دارند حکومت ما را بعنوان حکومت مشروطه و مبتنی بر دموکراسی می شناسند در حالیکه در داخل کشور ما بید اثری از آزادی و دموکراسی یافت نمیشود ؟ .

جبهه ملی ایران بحکم رسالتی که در نگهبانی و تحقق بخشیدن به مشروطیت و اردعلل و چگونگی منسوخ شدن رژیم دموکراسی را در ایران برای روشن ساختن آذهان عمومی تا آنجا که این اعلامیه گنجایش دارد با مستحضار ملت ایران میرساند .  
عللی که در گذشته عملاً مانع استقرار مشروطیت و سبب منسوخ شدن آن گردیده است :

در صد مشروطیت و حتی در کیورد انقلاب عده ای از مستبدان و مرتجعان فرصت طلب و مزور از حسن نیت و گذشت سران اصیل انقلاب و مسامحه مردم در باب اجرای اصول و مبانی مشروطیت سوءاستفاده کردند و در جرگه سران آزاد یخواهان جای گرفتند در میان این شیان ان جاسوسان خارجی و فئودالهائی که طرز تفکر و رفتارشان بکلی با مشروطیت منافات داشت و حتی عمال درجه اول استبداد مانند عین الدوله ها و فرمانفرماها یافت میشدند که بتدریج بانیرنگ و تزییر و غافل ساختن افراد ملت سران واقعی انقلاب و مشروطیت را نشان زدند و خود در راس مقامات حساس مملکتی قرار گرفتند و از توسط استبداد و خود سری را گستردند . این اشخاص که روششان سر مشق زمامداران نه سال اخیر ایران گردیده ظاهر ادعوی دموکراسی داشتند ولی در عمل با ایجاد موانع بزرگ و باد سانس گوناگون سد راه آزاد یخواهان و مانع نشر افکار آزاد یخواهی و پیشرفت مشروطیت شدند و باین ترتیب پس از زمان بسیار کوتاهی تمام امور مملکت را بکلی در دست گرفتند و مردم را عملاً از مداخله در سر نوشت و وطنشان محروم ساختند . در اثر تلاش و تزویر آنان بیشتر نمایندگان مجلس شورای ملی از شاهزادگان پرورش یافته امان استبداد و مالکان و فئودال های مرتجع و سود جو انتخاب شدند - کسانی که مصلحتشان اقتضای داشت که حکومت مردم بر مردم در ایران شکل واقعی بخود گرفته و ادامه یابد . - بیگانگان یحیی روسیه تزاری و انگلستان هم با این پیش آمد کاملاً موافق بودند زیرا جنبش اصیل مشروطیت آنها را نگران ساخته بود و می اندیشیدند که مباد این جنبش رویداری بجائی برسد که بمطامع و منافع استعماری آنها در ایران لطمه وارد کند و دریافتند که اگر افعاح حکومت مردم بر مردم در ایران استقرار یابد دست مردم و سیاست استعمار گراننده داخله در امور ایران کوتاه خواهد شد و این نگرانی هنگامی شدت یافت که مجلس شورای ملی در برابر التیما تمرد و ولت تزاری در اثر فشار و هیجان افکار عمومی ایستادگی کرد و جواب دادند ان شکن بیان داد همین ایستادگی و استقامت سبب شد که انگلیسها برای تامین مقاصد خود ب فکر از کار انداختن مجلس و روی کار آوردن دولت دست نشانده های مانند دولت وثوق الدوله افتادند تا هر چند باین ترتیب نفوذ خود را در ایران باید آرماسازند ولی پس از د سانس گوناگون و تلاشی که برای برسمیت دادن بقرارداد استعماری ۱۹۱۹ میلادی کردند هذگامیکه با مقاومت و مخالفت مردم مواجه شدند باین حقیقت پی بردند که در صورت وجود آزاد و مشروطیت از مجلس های ساختگی و دولت های دست نشانده ناری ساخته نیست و مردم زیر بار تحمیلات خارجی نمیروند و لچار دولت بریتانیا که در آن زمان بیشتر مالک آسیائی را مستقیم و غیر مستقیم تحت سیطره سیاسی خود داشت ب فکران افتاد که فقط با حفظ ظاهر قانون اساسی حکومتی در ایران روی کار بیاورد که از آزادی فردی و اجتماعی را از ملت ایران سلب کند و بطور مطلق حکمروا کرد . بنابراین از طرفی از ضعف حکومت مرکزی وقت استفاده کرده و از طرف دیگر هر چه و مرج ناشی از اصول خانخانی را که

بیوسته از ناحیه خود شان تایید میشد بهانه کرده بدست آویز لزوم اجرای اصلاحات و جلوگیری از نفوذ بلشویسم در ایران بوسیله اعمال خود کودتای ۱۲۹۹ را پیش آورد و برای تامین بیشتر نظریات سیاسی و قصدی که در آنینده در باب نفت ایران داشت حکومت استبدادی را که زائیده کودتای بود تائید کرد و در نتیجه در مدت بیست سال دیکتاتوری بیسابقه ای در ایران روی کار آمد و روش تفتیش و اختناق افکار بشدت ترین وجه برقرار گردید ( اظهارات رادیکال

لندن بعد از سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ و نطق های زمامداران بریتانیا و خاطرات انتشار یافته آنان ) .

اما حکومت دیکتاتوری بیست ساله ظاهر اکارهائی کرد ولی در عین حال ریشه آزاد ی و آزاد یخواهی را که پرورش دهنده شخصیت ها است خشکانند تا آنجا که هنگام اشغال وطن عزیز ما از طرف قوای اجنبی که از اثرات و نتایج جنگ بین الملل در م بود کوچکترین مقاومت و ایستادگی سیاسی و نظامی در مقابل آنها بعمل نیامد و دستگاه دیکتاتوری با آنهمه کروفر یکدفعه از هم پاشید و بر چیده شد و مردم هم که در طول بیست سال از فشار و خود سری حکومت بجان آمده بودند نه تنها در برابر قوای بیگانه از خود مقاومتی نشان ندادند بلکه از جهتی هم در انتظار آرزوی رهائی از مظالم استبداد این پیش آمد شوم را تا اندازه ای با خون سردی تلقی کردند و کسانی که تا شهریور ۱۳۲۰ مداح و ریزه خوار خوان حکومت استبداد ی بودند ناگهان دیکتاتور را بباد انتقاد و ناسزا گوئی گرفتند و نشان دادند که خاصیت دست پروردگی و دیکتاتوری چیست ( رجوع شود باظهارات علی دشتی و نظایر او در مجلس سیزدهم ) این خلاصه ای از علل و جهاتی است که در گذشته موجب عقیم مساندن و شمرن رسیدن مشروطیت ایران گردید و اثر زیان بخش آن در زمان مامشهود است . خوشبختانه پس از ناتوان شدن دستگاه دیکتاتوری بیست ساله و اثرات و عواقب جنگ جهانی و تغییراتی که در وضع سیاستهای استعماری رخ داد و رقابتی که پیش آمد در وضع مرتجعان و عمال دیکتاتوری داخلی ایران که از ناحیه بیگانگان حمایت میشدند نیز فتور و ترنزل راه یافت و ملت ایران فرصتی بدست آورد و بخود جنبید و دنباله نهضت آزادی خواهی و استقلال طلبی را از طریق ملی کردن صنعت نفت و کوتاه کردن دست استعماری که قسمت اعظم بدبختیهای نیم قرن اخیر ایران ناشی از آن بود بر مبری پیشوای عالیقدر خود دکتر محمد مصدق گرفت و با پشتیبانی بیدریغ همگانی طبقات مختلف بر استعمار و استبداد دست نهانده آن پیروز شد و حکومت ملی را روی کار آورد ولی هزار افسوس که دیری نیاید که باز در اثر توطئه و حمایت و کمک همه جانبه خارجی از عمال عدیثت حاکمه فاسد باز این دسته جانی گرفتند و با تیز بر زور سر نیزه حق مردم را غصب کردند و حکومت ملی را سرنگون و آمال و آرزوهای بحق ملت ایران را نقش بر آب ساختند ولی باید دانست که اوضاع دنیا و همیشیاری ملتها و در میان آنها بیداری و توجه ملت ایران دیر با دمه یافتن بیش از حد حکومتهای دیکتاتوری مساعد نیست و اصولا دیکتاتوری ممکن است و نه صلاح است که در منطقه ای مانند ایران حکومت فردی ادومه یابد و تمام امور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ملتی که نسل سال بارای و دستوریک نفر اداره شود و تمشیت بدیرد و هر طور باشد بالاخره فساد این چنین حکومتی چنانکه میبینیم همه مردم را ناراحت کرده و بجان خواهد آورد و اگر در روش استبدادی و مقابله با خواسته های بحق مردم ایران سر سختی و یا فشاری بعمل آید خواه ناخواه همان طور که در ممالک دیگر و در قبایل حکومتهای استبدادی بسیار قوی تر و ریشه دارتر اتفاق افتاده است کار بانقلاب خواهد انجامید .

در حال حاضر همان علل و اسبابی که در گذشته مشروطیت را متروک ساخت در کار است و مدخلات استعمارگران بیگانگان و تایید و تقویت آنان از هیئت حاکمه فاسد و ضد ملی و مخالف مشروطیت بوضع شدید تر از سابق ادومه دارد - کسانی که در ظرف نه سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زمام امور را در دست گرفته اند از قماش همان عین الدوله ها و امیر بهادرها و شجاع الدوله ها و وثوق الدوله ها میباشند بدون آنکه شخصیت و اقتدار آنها را داشته باشند بلکه رفتار و اعمالشان بمراتب سخیف تر و بیشرمانه تر از آنهاست .

برای اینکه مردم ایران بدانند در آستانه بنجاه و هفتمین سال انقلاب مشروطیت و سالگرد روز برفاقتخار ۱۴ مرداد هنوز حکومت فردی و استبدادی به تمام معنی در کشور ماحکفرا است توجه آنها را بمراتب ذیل جلب میکنیم :

اگر باقتضای قانون اساسی پادشاه از مسئولیت مبری است بهمین دلیل دیگر حق مدخله در کارها و عزل و نصب عمال دولت و امر و نهی ندارد زیرا نتیجه و عاقبت مدخله پادشاه در کارها و عزل و نصب عمال دولت این است که تمام کارها منحصرا منوط به نظر و تصویب یک نفر باشد یک نفری که در مقابل هیچکس و هیچ مقام هیچ قسم مسئولیتی ندارد و اصولا هیچکس نمیتواند او را مسئول قرار دهد . عیوب و مضرات حکومتی که زمامش بدست یک فرد غیر مسئول باشد - نه باند از اوست که بتوان آنرا در ضمن اعلامیه ای توضیح داد و تشریح کرد - اساسا در دنیای امروز غیر ممکن است که یک نفر بتواند بتعمام مهمات امور یک مملکت احاطه یافته و آنرا بر اینحوی که منافع و احتیاجات آن مملکت اقتضا میکند بچرخاند و اختیار تمام مقامات کشوری و لشکری و قضائی را در دست بگیرد و از عمده مشکلات داخلی و خارجی خصوصاً مملکتی مانند ایران که همیشه و از همان روزناریاستان مواجه با حوادث مختلف و مایع نظردول و سیاستهای دور و نزدیک بوده است برآید یک فرد غیرمسئول که عهد از تمام امور میشود و حتی حق قانونگذاری هم برای خود شقائل میگردد همان است که اسمش را دیکتاتور گذاشته اند .

متأسفانه بتجربه ثابت شده است که دیکتاتور در اثر خود خواهی و عدم مسئولیت همیشه خبطها و اشتباهات زیاد میترکب میشود و این خبطها و اشتباهات کم کم سبب میگردد که بین دیکتاتور و افکار عمومی ملت فاصله ایجاد شود و وقتی که دیکتاتور برای پوشاندن اشتباهات و خطاهای خود از روی لجاج و عناد بدیکتاتوری ادومه در روز بروز بر عمق و پهنای فاصله افزوده میشود و عاقبت کار به نفرت و وحشت ملت از دیکتاتور و جدائی دیکتاتور از ملت و بی اعتباری او منی انجامد و دیکتاتور برای حفظ موقعیت خود ناچار متوسل باعمال زور و بکار بردن سر نیزه و مسلسل میگردد و هر روز کشتارها و فجایعی نظیر سی تیر ۱۳۳۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و فاجعه شرم اورا و بل بهمن ماه ۱۳۴۰ دانسگاه پیش میاید و وضع حکومت دیکتاتوری بصورتی که فعلا در ایران حاکم فرماست و ماهمه شاهد و ناظران هستیم در میاید و - از طرف دیگر دیکتاتوری که در میان ملت خود ش محبوبیت و وضع خوشی ندارد و از سوئی جاه طلبیش مانع سازگاری او با ملت است و از سوی دیگر سر مست نشسته تملقها و خوش آمد گوئیهای شبانه روزی اطرافیان و غلامان جان نثار و خانه زاد میشود

بار اهنمائی و دلالت همین متعلقین و جان نثاران در دام سیاستهای استعماری افتاد مجبور میشود بایذنانگانی که ممکن است در کار او تائید داشته باشند وقتاً سفانده رملکت ماد ارند سازگاری کند و طمع و تقاضاهای استعماری آنان و شرکتها و کمپانیهای عامل سیاست آنان را بطور اتم و اکمل بضرر مصالح ملت بر آورد و کند یا اقل حمایت آنان را ولو بظواهر هم دست جلب نماید و با تکیه باین حمایت و پشت گرمی در داخله کشور بر استبداد و حکمروائی جابرانه خود ادامه دهد و برای اینکه معارضی در داخله نداشته باشد هر کس و هر طبقه ای را که عیب کار را بفهمند و مفسد و طرز حکومت بی ببرند سرکوب و خفه کند و برای این کار ناچار است که تمام قوانین را برفع سیاست و کشورداری خود تعبیر و تفسیر کند یا زیر باند آورد و صورت ظاهری که بهیچ وجه با مصلحت و واقعیت مطابقت ندارد بسازد و انتخابات را بروفق میل و نظر خودشان انجام دهد و بجای نمایندگانی که حقاً باید از طرف ملت انتخاب شوند عده ای دزد و دغل و جاسوس بی همه چیز با تقلب و حقه بازی و اعمال زور و فشار سرنیزه و ارباب گوناگون تعیین کرده از صند و قهای انتخابات بیرون آورد و بر کرسی نمایندگی ملت بنشاند تا همه مطیع و فرمانبردار باشند و فقط مصالح و منافع او را در نظر بگیرند و چون خودشان هم تا کلو غرق در فساد و خطا کاری و خیانت و طمع ورزی هستند جرأت تخلف از او امر و فرمایشها و نظریات دیکتاتور را نداشته باشند و وقتی عیب و رسوائی یک چنین مجلسی عالمگیر شد و سر و صد از داخل و خارج با ستهزایا و تمسخر بلند گردد مخصوصاً که در مجلس یک نماینده واقعی هم راه یافته و ممکن باشد که انتقاد بکند و گوشه کوچکی از خرابیها و دغل کاریها را از برد بیرون بیاندازد ظاهر این عنوان تسلیم در مقابل خواسته و انتظارات مردم و واقعاً بقصد اغفال آنها و در کردن همان یک وکیل از مجلس پارلمان را منحل کند و در پی اعتنائی بقانون اساسی و بهیچ شمردن آن پارا بجائی بگذارد که نخست وزیر علناً بگوید "مجلسی اگر خوبتر هم باشد بضرر مملکت و مانع اصلاحات و منشأ فساد خواهد بود" و با این قبیل اظهارات خلاف از تجدید انتخابات امتناع ورزد همچنین در اسرار و وزارت خانه ها اشخاص نالایق و نادارست و بی شخصیت و بی اعتبار با افکار عمومی گماشته شوند تا نتوانند برخلاف رای و نظر دیکتاتور عملی انجام دهند و مجبور باشند در هر مورد از او کسب نظر و اخذ دستور کنند و تمام کارها را بروفق مراد او بگردانند. پیداست که در چنین وضعی و در چنین دستگاهی دروغ و تقلب و خیانت و غارتگری و اتلاف مالیه کشور و اموال عمومی و منابع اقتصادی بمنتهای درجه رواج خواهد داشت چنانچه در کشور ما دارد. و هیچکس را مسئول نمیتوان شناخت و اگر گامی عمده زد یا متخلفی یا خائن و متخلفی بحاکمه کشیده شود جز جنگ زردی و تظاهراتی معنی چیزی نیست و چنانکه مردم ایران دیدند و فهمیدند عاقبتی ندارند و حاصلش بالاخره تبرئه و تزکیه متخلف و متخلس است و بس.

هموطنان :

این شبهه ای از چگونگی و روش حکومت دیکتاتوری یا فردی و مفسد و مضرات آن است که مملکت و ملت ما بتمام معنی گرفتار شده و از آن زیان می بیند و رنج میبرد و اگر این وضع ادامه یابد چنانکه گفتیم بیم آن است که شیرازه امور از هم بگسلد و ملت ایران طاقت نیاورد و سرعصیان و طغیان بر آورد خاصه که تبلیغات همسایگان ما هم در اتمام کار است و همیشه منتظر فرصت هستند تا از پیشامدهای سوء و عواقب وخیم وضع حکومت مابهره برداری کنند. ملاحظه کنید که با وجود قانون اساسی و اصول صریح آن در باب اختصاص و انحصار حق قانونگذاری بمجلس شورای ملی دولت دکتر امینی بعد از تعطیل مشروطیت بفرمان شش ماده ای متوسل میشود و برای اجرای نظریات غلط و خلاف خود در امور مملکت بمیل خود لوایح قانونی ترتیب میدهد و بموقع اجرا میگذارد و دولت علم که جان نثار و نوکر دیکتاتور است نیز چنین فرمانی که مخالف مدلول صریح قانون اساسی است گردن مینهد و تعقیب آنرا جز مواد برنامه خود قرار میدهد.

اگر قانون اساسی هست و تبعیت از آن بر همه واجب است چرا کسانی را که بجرم آزاد خواهی مورد بی مهری دستگاه حاکمه هستند به بهانه های بیجا بزند و تهدید بحاکمه میکنند ؟ چرا مشروطیت را عمدتاً تعطیل کرده اند و پس از قریب یکسال و نیم از انحلال پارلمان انتخابات را مسکوت گذاشته و به بهانه های مختلف آنرا تاخیر میاندازند ؟ چرا در موقعیکه با تقلب و از محل عواید شرکت گوشت و ارزاق عمومی و وجوه اتسی که از خزانه کشور اختلاس میشود حزبهای سیاسی میسازند و برای آنها باشگاه اثر میکنند و به پاد و عواید شایاد و هوچی خود میدهند که آزادیهای فردی و اجتماعی مردم را سلب نمایند ؟ چرا در بیرخانه جبهه ملی را که هیچ قسم تحمیلی نبود چه مملکت داشت بازور سرنیزه و پلیس که فقط در راه اختناق ملت بکاربرد میشود میبندند و از فعالیتهای قانونی و بحق جبهه ملی جلوگیری میکنند و حتی از نام جبهه ملی در جراید کشور جحد امانت بعمل میآورند ؟ اگر در این مملکت مشروطیت وجود دارد و قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر معتبر است چرا اجتماع دانشجویان در محوطه دانشگاه که برای مطالبه حقوق قانونی و دستان و هم صنفان صورت گرفته بود با ارد و کشتی و بخاک و خون کشیدند دانشگاه و زندانی کردن صد ها دانشجوی مضروب و مجروح و سران جبهه ملی جواب میدهند ؟ اگر حکومت ایران مشروطه است و قانون اساسی آزادی اجتماعات و بیان عقیده و فکر را برای همه ایجاب کرده است چرا از میتینگ جبهه ملی که جمعیتی ملی و قانونی است در روزی تیر که بموجب قانون روز قیام مقدس ملی شناخته شده است با آمادهاش به نیروهای مسلح بشدت جلوتیری شد و سران و افراد وطنخواه جبهه را مضروب و زندانی کردند ؟ اگر میتینگ دادن قانوناً ممنوع است چرا پادشاه میتینگ میدهد و عمل هیئت حاکمه با آن وضع ضحك و حیرت آور جماعتی از کارگران و رفکران و مستخدمین ادارات و مردم بی خبر کوچک و بزرگ را بمیتینگ پادشاه میکشانند ؟ اصولاً چرا در مملکتی که پادشاه میتینگ میدهد افراد و جماعات دیگر حق میتینگ و اظهار عقیده ندارند ؟ پس آزادی فکری و بیان عقیده و مساوات در برابر قوانین که میگویند کجاست ؟ اگر مشروطیت و قانون اساسی اعتباری داشت و هیئت حاکمه خود سر و فاسد بان اعتنائی میکرد دیگر بستن زبانها و شکستن قلمها و سانسور آشکار و مستمر جراید و مطبوعات برای چیست ؟ و سازمان امنیت که برخلاف وظیفه کارش منحصر با راهب مردم و تفتیش عقاید و توقیف و حبس آزاد و بخواهان شده است با آن بود چه کزاف چکاره است ؟

اگر اصول مشروطیت در این مملکت اجرا میشد و ولتهای منبعث از پارلمان ملی زمام امور مملکت را بدست می گرفتند و نظارت نمایندگان ملت در خن

و دخل دولت حقیقتاً اعمال میشود چگونه با آنها در آمد عمای سرشار از هفتصد ملیون تومان ( بنا بر گفته دکتر امینی ) کس بود چه پید شده است ؟ اگر ملت ایران دولتی ملی بود لسوز داشت و اصول حکومت مشروطه رعایت میشد با وجود درآمد قابل ملاحظه نفت که از برکت مبارزات دکتر مصدق پیشوا عالیقدر ملت بدست میآید علاوه بر کسری بودجه هفتصد ملیون دلار هم قرضه خارجی گریبانگیر ملت رنجیده ایران نمیشد .

چرا عواید مملکت که هر دینار آن با خون دل ملت فقیر ایران بدست آمده و میآید صرف هزینه های غیر ضروری بلکه کاملاً برخلاف مصلحت از قبیل کاخ سنا و کاخ مجلس شورای ملی که وجود خارجی ندارد و بودجه کمربشکن ارتش و مقاطعه ها و مناقضه های قلابی و مسافرت های تفریحی و تجمل پرستی های بسی سابقه وی نظیر که بمناسبت هر کد ام از آنها در برابر بودجه واقعی اختلاس و سوءاستفاده بعمل میآید میشود که هنوز هم ادامه دارد .

چرا بجای توسعه دادن بدانشگاه و افزودن بودجه آن و تربیت دانشمندان که در عصر کنونی در درجه اول ذخائر معتبر و خلل ناپذیر ملل و ممالک عالم بشمار میآید آنها را در مضیقه میگذارند و به آنکه کسر بودجه و صرفه جوئی از بودجه شان میبکاهند و در مقابل حاضر نیستند از بودجه عمای زائد که قسمت اعظم آن برای مملکت غیر ضروری تشخیص داده شده است دیناری کسر نمایند بلکه سعی و جدیت میشود که سال بسال بر آن بیفزایند و کار آنجا میرسد که دکتر امینی جاه طلب هم که مشروطیت را برای مقام نخست وزیری تعطیل کرد و از این جهت و مناسبت خود سربها و قانون شکنی های دیگر مستحق محاکمه در ریشگاه ملت و کفر شد بد آنست بالاخره مجبور با استعفا گردید .

اگر استبداد کبیر و مطلق العنان وی بندوباری در مملکت ماحکم فرما نبود هزینه زندگی با این سرعت و باین درجه بالانمی رفت و گوشت که بعد از نان تنهامایه تغذیه مردم محروم این مملکت است از کیلوئی ۲۰ ریال زمان حکومت ملی دکتر مصدق بکیلوئی نود ریال ترقی نیم کرد و نرخ ماهی که یکی ده ریال بود بیکی دو بیست ریال تعمیر سید .

هیچکس نیست که نداند و تصدیق نکند که در زمان حکومت ملی دکتر مصدق با وجود تمام تضییقات خارجی و محاصره اقتصادی و مشکلاتی که در کار بود صادرات ما بر وارداتمان فزونی داشت و نقصان بودجه واحدی از راه وصول مالیات بردرآمدهای اشخاص که آنها افزایش یافته بود تعدیل میشد .

در ظرف نه سال روی کار بودن حکومت های غیر ملی و غیر قانونی واردات که قسمت اعظم آن تجملی و کاملاً غیر ضروری است هفت برابر صادرات شده است خلاصه اگر حکومت ملی و قانونی وجود داشت مرکز اجازه نمیداد که هر کسی بیشتر تعلق بگوید و غلابی کند مقام و رتبه ای والا تر بدست آورد و قوای نظامی و انتظامی که از محل درآمد ملت حقوق میگیرند و بنیت حمایت و حفظ مردم از دستبرد زدن و بیگانگان استخدام شده اند برای ادامه یافتن حکومت فردی و خود کامگی و بوجود آوردن اختناق بروی برادران و هموطنان خود سرنیزه و مسلسل بکشند .

هموطنان عزیز :

قصه جبهه ملی از تذکرو تشریح این حقایق تلخ در روز تاریخی ۴ مرداد اینست که شمارا از خطرات و زیانهای جبران ناپذیر ادامه حکومت دیکتاتوری آگاه کند .

جبهه ملی ایران وظیفه خود میداند که بار دیگر دولتها - وزرا و اولیای امور مرعوب و جاه طلب وی اعتنا با افکار عمومی را متوجه و خامت و وضع کند تا عذر بیخبری بهانه غفلت از مسئولیت بزرگی که بر عهده دارند قرار داده نشود . این آقایان وزرا که با ضعف و بی اختیار بی بر مسند وزارت تکیه زده و خود فروشی میکنند باید بدانند که بهمان دلیل که قانون اساسی ایران پادشاه را از مسئولیت معاف داشته آنها را مسئول قرار داده است و عذر اینکه چاره ای جز اطاعت ندارند و ناگزیر از اطاعت او امر هستند در ریشگاه ملت مسوع نیست و نخواهد بود و اگر هم فعلاً از طرف ملت مواخذه و بازخواستی نیست لاقلاً بوجدان و ندای باطنی که هر مجرمی در موقع ارتکاب خیانت و جنایت و خلاف قانون میشوند رجوع کنند و بر عواقب خرافکارانه خود بیاندیشند و بدانند اتکا بزور و سرنیزه همیشه بدون بازخواست و مجازات نخواهد ماند کما اینکه ملت ایران خرافکارانه و بی اعتنائی های دکتر امینی را بقانون اساسی و اعدائش بی دربی و بی شمارش را همیشه بخاطر دارد و خواهد داشت و دیر یا زود روزی خواهد رسید که محاکمه و مجازات او را در پیشگاه قانون اساسی و عدالت عملی سازد .

هنوز عده ای از دانشجویان و افراد آزاد بخواه و سران جبهه ملی بی جهت و بی هیچ دلیلی در زندان بسر میبرند و زمامداران بی شخصیت وقت که آب هم بی اجازه نمی آشانند در مقابل مراجعات و خواسته های افکار عمومی در باره آزادی آنها دفع الوقت و بی اعتنائی میگذرانند سهل است دست بزند اتی کردن افراد دیگر میزنند و نظایر این اتفاقات تاز آورند ری زیاد است که بوصف در نماید خلاصه در حال حاضر یک راه وجود دارد که میتوان مملکت را از ورشکستگی موجود و طغیان عدم رضایت عمومی که نتیجه آن عصیان ملت است حفظ کرد و آن انجام انتخابات آزاد و تعیین نمایندگان مردم و گشایش پارلمان ملی و سپردن سرنوشت مردم بدست نمایندگان واقعی آنهاست و تنها راه اینصورت است که ملت ایران موفق خواهد شد بر مشکلات فائق آید و بترمیم خرابیها و رفع نابسامانیها همت گمارد و باید بار دیگر صریحاً گفت که پافشاری و اصرار در تضییع حقوق ملت در هرگونه آشتی و مسالمت را خواهد بست و عواقب وخیم و مسئولیت آن کاملاً بر عهده فرمانروایان مستبد کنونی ایران است .

درد بروان تابناک شهیدان قیام مشروطیت

درد بهموطنان بیداری که برای استقرار حکومت مردم بر مردم مبارزه میکنند

هیئت اجرائی جبهه ملی ایران